



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِهِمْ مَا تُرِيدُ

دکتر سید حسین عبادی

مکاتب فلسفی و آرای تربیتی



دکتر سید حسین عبادی

قسمت دوم ۱۴۰۲



[دکتر
عبادی]

سرفصل درس

<p>دروس پیش نیاز: مبانی و اصول تعلیم و تربیت (۱۰۲)</p>	نظری ★	پایه	نوع واحد	تعداد واحد: ۲	<p>عنوان درس به فارسی: مکتب‌های فلسفی و نظریه‌های تربیتی</p> <p>عنوان درس به انگلیسی: Schools of Philosophy and Educational Theories</p>	
	عملی					
	نظری	اصلی		تعداد ساعت: ۳۲		
	عملی					
	نظری	تخصصی				
	عملی					
	نظری	اختیاری				
	عملی					
<p>آموزش تکمیلی عملی: <input type="checkbox"/> دارد <input checked="" type="checkbox"/> ندارد</p> <p>سفر علمی <input type="checkbox"/> کارگاه <input type="checkbox"/> آزمایشگاه <input type="checkbox"/> سمینار <input type="checkbox"/></p>						

اهداف درس:

آشنائی دانشجویان با مکتب‌های فلسفی کلاسیک و فلسفه‌های جدید غرب و آراء تربیتی آنها و نیز نقد و نظر درباره آن‌ها.



دکتر
عبادی

سرفصل درس

سرفصل‌ها:

- چيستی فلسفه، تعليم و تربیت و فلسفه تعليم و تربیت
- ضرورت مطالعه مکتب‌های فلسفی و نظریه‌های تربیتی
- عناصر بنیادین مکتب فلسفی:
 - متافیزیک
 - انسان‌شناسی
 - معرفت‌شناسی: مفهوم معرفت، امکان دستیابی به معرفت، ابزار معرفت، منابع معرفت و معیار معرفت
 - ارزش‌شناسی: مفهوم ارزش، انواع ارزش‌ها، سلسله مراتب ارزش‌ها، ارزش‌های اخلاقی و ارزش‌های زیبایی‌شناختی.
- مکاتب فلسفی، دلالت‌های تربیتی، بررسی و نقد (درونی و بیرونی) آن‌ها:
 - طبیعت‌گرایی
 - ایده‌آلیسم
 - رئالیسم
 - اگزیستانسیالیسم
 - پراگماتیسم
 - پست مدرنیسم
- اسلام و دلالت‌های تربیتی آن به‌عنوان پایگاه نقد بیرونی



منابع درس

منابع اصلی:

- اوزمن، هوارد؛ کراور، ساموئل (۱۳۷۹). مبانی فلسفی تعلیم و تربیت. ترجمه: غلامرضا متقی فر. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- گوتک، جرال دال (۱۳۸۰). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. ترجمه محمد جعفر پاک سرشت. تهران: سمت.
- باقری، خسرو و عطاران، محمد (۱۳۷۶). فلسفه تعلیم و تربیت معاصر (مجموعه مقالات). مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی محراب قلم.
- رفیعی، بهروز (۱۳۹۲). مربیان بزرگ مسلمان. تهران: سمت.
- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۷۸). فلسفه تربیت. انتشارات دانشگاه پیام نور.
- شریعتمداری، علی (۱۳۶۲). اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- نقیب زاده، میرعبدالحسین (۱۳۷۴). نگاهی به فلسفه آموزش و پرورش. کتابخانه طهوری.

منابع برای مطالعه بیشتر:

- نلر، جی.اف. (۱۳۸۳). آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش. ترجمه فریدون بازرگان دیلمقانی. تهران: سمت.
- گریز، آرنولد (۱۳۸۳). فلسفه تربیتی شما چیست؟. ترجمه شعبانی ورکی و همکاران. مشهد: آستان قدس رضوی.



طبیعت‌گرایی و آموزش و پرورش

▪ در طبیعت‌گرایی فرض بر این است طبیعت بنیاد واقعیت است. طبیعت فی‌نفسه نظامی کلی است که تمامیت هستی از جمله انسان و

طبیعت انسانی را در بر می‌گیرد و تبیین می‌کند. طبیعت‌گرایی بر این باور مبتنی است که قلمرو واحدی از واقعیت وجود دارد و آن ماده در حال حرکت است. بر خلاف مقولات به دقت تعریف شده ایدئالیسم، رئالیسم و تومیسم، طبیعت‌گرایی مبهم است. علاوه بر این، طبیعت‌گرایان گروه‌های متفاوتی هم دارند. مثلاً ژان ژاک روسو بین دیدگاهی رمانتیکی درباره طبیعت و انسان و چشم‌انداز عقل‌گرایانه عصر روشنگری در نوسان بود. یوهان هاینریش پستالوزی که در روش تربیتی خویش از افکار روسو بهره گرفت، اعتقاد به خدای فوق‌طبیعت را محفوظ داشت. هربرت اسپنسر نظریه تکامل داروینی را در قالب جامعه‌شناسی معرفتی که بر نظام اخلاقی به غایت رقابت‌آمیزی تأکید می‌کند، بازسازی کرد. طبیعت‌گرایی به رغم تنوعات و ابهاماتش، بالاخص در آموزش و پرورش دارای مضامین مشترک زیر است:

▪ (۱) برای تأمین مقاصد آموزش و پرورش باید به طبیعت و طبیعت انسانی به مثابه جزئی از نظام طبیعی توجه کرد.

▪ (۲) حواس کلید درک طبیعتند؛ ادراک حسی مبنای معرفت ما را نسبت به طبیعت تشکیل می‌دهد.

▪ (۳) چون فرایندهای طبیعی کند، تدریجی و تکاملی اند، آموزش و پرورش هم باید فارغ از عجله باشد.

نماینده پیشاهنگ طبیعت‌گرایی در آموزش و پرورش روسو است که در اواخر قرن هیجدهم می‌زیسته و آراء تربیتی او در رمان تعلیمی و مهمترین اثر او به نام امیل قابل بررسی است. مرجع قدرت امیل (شاگرد فرضی روسو) منش اوست. امیل از تبعات اعمال خویش گاه‌لذا می‌برد و گاه رنج، اما تحت سلطه دیگری قرار ندارد. در شیوه تربیتی روسو، معلم شخص آسان‌گیری است که همراه شاگردان خویش به یادگیری می‌پردازد. با اینکه روسو اهمیت فکری علوم و هنرها را تصدیق می‌کرد، ولی بر اهمیت تجربه مستقیم فرد از محیط طبیعی تأکید می‌نهاد. به احساسات و عواطف که محصول تماس‌های شخصی انسان با طبیعتند باید اعتماد کرد و از آنها محظوظ شد نه آنکه از طریق نواهی مراجع دینی، سیاسی و ادبی مهارشان کرد. اعتقاد روسو به اینکه شخصیت انسان باید بر وفق طبیعت شکل یابد، اصل محوری فلسفه سیاسی و تربیتی او را تشکیل می‌دهد.



دکتر
عبادی

طبیعت گرایی و آموزش و پرورش

روسو در امیل مضمینی را پرورده است که آثار بارزی بر اصلاحات تربیتی مبتنی بر ناتورالیسم و بر آموزش و پرورش پیشرفت گرا داشته است:

(۱) دوره کودکی به عنوان دوره ای از رشد و نمو آدمی که مطلوبیت ذاتی دارد، برنامه تربیتی مخصوصی دارد.
(۲) آموزش و پرورش به نیکوترین صورت در محیطی آماده قابل تحقق است، محیطی که ضمن حفظ وجوه طبیعی آن به گونه ای طراحی شده باشد که موقعیتهایی را برای تحریک حس کنجکاوی و فعالیت متعلم فراهم کند و با سطح آمادگی او برای یادگیری سازگار باشد.

(۳) کودک در محیط آزادانه ای که در آن انتخاب های اساسی خود را درباره اعمال خویش انجام می دهد و از پیامدهای آمو محظوظ یا متأثر می گردد، چیز یاد می گیرد.

روسو دوران کودکی را بر خلاف مفهوم کودکی در اوایل قرن هیجدهم که دوره ای شیطانی تلقی می شد که باید به سرعت پشت سر گذاشته شود؛ طبیعی ترین دوران رشد انسان در نظر می گرفت که کودک به عنوان انسان ابتدایی معصومی باید هر چه طولانی تر از آن بهره مند شده و لذت ببرد.



آرای تربیتی فلسفه ناتورالیسم (طبیعت گرایی)

□ کانون توجه ناتورالیسم را تجربه حسی تشکیل می داد که در حکم ابزاری برای تجزیه و تحلیل طبیعت به اجزاء متشکله آن به شمار می آمد

□ این آموزه که یادگیری از طریق حواس صورت می گیرد، دلالت‌های ضمنی بارزی برای آموزش و پرورش دارد. معنای مبنا قرار گرفتن تجربه حسی برای یادگیری آن بود که کودکان باید درباره اشیاء محیط، تجارب دست اول حاصل کنند. انتظار می رفت که بچه ها از راه فعالیت و کاربرد روش پروژه، در برخورد با اشیاء طبیعت، در انجام آزمایش و در نیل به احکام کلی مربوط به محیط فعالانه برخورد کنند.

□ ارزش شناسی طبیعت گرایی

به نظر ناتورالیستها ارزش ها از تعامل انسان با محیط سرچشمه می گیرند. غرایز، سائقها و انگیزه ها باید ابراز شوند نه سرکوب. به عقیده روسو انسان طبیعی که آداب و رسوم و تکلفات اجتماعی آلوده اش نساخته، نیک است. روسو که در قلب انسان جایی برای شرارت ذاتی نمی یافت، معتقد بود که شر از جامعه فاسد سرچشمه می گیرد. به عقیده او بچه به هنگام تولد نیک است. چون کودکان ذاتاً نیک هستند، در صورتی که قرار باشد آموزش و پرورش افرادی خلیق پرورش دهدف باید از انگیزه ها و تمایلات طبیعی کودک پیروی کند.



طبیعت گرایی و برنامه درسی

- به خلاف نظر ایدئالیست ها، رئالیستها که هنرها و علوم نظری را به عنوان گنجینه های خرد آدمی و موضوعاتی آرمانی برای پرورش این خرد، مورد ستایش فراوان قرار می دادند، روسو که ارزش هنرها و علوم را قابل مناقشه می دانست، ادعا می کرد که معلمان فضل فروش، این معارف را به صورت اطلاعات بی روح، به شده لفاظانه صورتبندی کرده اند که با طبیعت میانه ای ندارند. چون این معارف از فضائل خالص طبیعی و ابتدایی انسانها می کاهند، موجب می شوند که مردم به روشی غلط تربیت شوند.
- طبیعت گرایان توصیه می کردند که یادگیری باید متضمن آن باشد که کودکان فعالانه با محیط روبرو شوند، از حواس خویش استفاده کنند، و به حل مسئله بپردازند.
- به عقیده ناتورالیسم ها تعلیم و تربیت واقعی بر آمادگی و نیازهای انسانی مبتنی است. ایشان، طبیعت، علائق و نیازهای کودک را مبنای برنامه می دانند.
- کودکان اموری را یاد می گیرند که آمادگی و رغبت یادگیری آنها را دارند. تجربه انسان گستره متنوع پرباری از فعالیت ها را در بر می گیرد که به رشد و نمو انسان می انجامد. طبیعت گرایان و پیروان متأخر آنان یادگیری را محصول فعالیت، روش پروژه و حل مسئله تلقی می کردند



طبیعت گرایی : معلم و شاگرد

- معلم در درجه اول کسی است که با طبیعت کاملاً هماهنگ باشد. معلم که نقش تربیتی محیط را درک می کند، در طبیعت دخالت نمی کند بلکه با جزر و مد نیروهای طبیعی همکاری می کند.
- او یادگیری را از طریق تحریک او به کاویدن و بالیدن از راه تعامل با محیط خویش ترغیب می کند.
- هم چنین معلم به عنوان مربی ای که برای یادگیری عجله ای ندارد، فردی صبور، سهل انگار و بی آزار است.
- معلم موافق روش کشفی است که طی آن محصل دانش را خود کشف می کند بی آنکه معلم نیابتاً آن را به وی ارزانی دارد.
- معلم گرچه همیشه حضور دارد اما هیچگاه معرکه گردان نیست. نظارت او ظریفانه است به این شکل که او محیط یادگیری را تنظیم می کند و از این راه شخصیت و منش متعلم را شکل می بخشد.
- معلم بر فعالیت، جستجو و یادگیری از راه عمل تأکید می کند.
- طبیعت گرایان کوشیدند تا از طریق تبدیل مدرسه به محیط آرام یادگیری از رسمیت آن بکاهند.



طبیعت گرایی : نتیجه گیری

- طبیعت گرایی یکی از روندهای فکری است که هم به آموزش و پرورش پیشرفت گرای قرن بیستم و هم به شقوق مختلف اصلاحات تربیتی مساعدت کرد. برخی از عناصر عام برگرفته از ناتورالیسم به شرح زیرند:
- یادگیری کودکان باید از تجربه حسی محیط بلافصل آنان سرچشمه بگیرد، نه از منابع کلامی همچون سخنرانی و موعظه و کتاب.
- کودکی دوران شایسته، ضروری و ارزشمند رشد و نمو انسان است؛ برنامه درسی و روش تدریس باید از سائق ها و غرایز کودکان الهام بگیرد.
- کودکی و نوجوانی یکپارچه نیستند، بلکه مراحل فزاینده رشد انسان هستند که هر کدام از آنها آمادگی ویژه و تمرینات یادگیری مخصوص به خود را دارد.
- مدرسه نباید از محیط کودک مجزا تلقی شود، بلکه باید ادامه آن محسوب شود.



آرای تربیتی فلسفه پست مدرنیسم

مدرنیسم را به نو شدن تعریف کرده اند. مدرنیسم پروسه ای است جدید که همه چیز جایگزین گذشته می شود. آن چه از معنای مدرنیسم به دست می آید اینست که مدرنیسم در مقابل سنت قرار دارد؛ سنت و مدرنیسم دو جریان از هم جدایی باشند. با قطع سنت، مدرنیته به وجود می آید. البته این یک دیدگاه است. دیدگاه دیگر براین باور است که مدرنیته در درون سنت شکل می گیرد. پس به این ترتیب مدرنیته یک مرحله تاریخی است که در فرایند زمان به وجود آمده است. "مدرنیسم: (تجدد خواهی، در اروپا و در حوزه دین مسیحی تمایلات آزادی خواهانه در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، برای تجدید نظر در بسیاری از عقاید رسمی و سنتی دین مسیح جهت سازگار کردن آن با نتایج پیشرفت های علمی که مخصوصاً از قرن نوزدهم به بعد برای بشر حاصل شده است. به باور مدرنیست هادر جهانی که ما در آن زندگی می کنیم باید از روش های نو تر استفاده کرد چرا که روش های قدیم جوابگوی انسان معاصر نمی باشد از این رو باید به تاریخ، فرهنگ و زبان یک نگاه جدید داشت. همچنان مدرنیست ها عقیده دارند که عقل و علم در مقام کاشف می تواند بسیاری از مشکلات را خود حل کند. انسان موجودی است که از عقل و علم برخوردار شده می تواند بنا براین همین انسان از توانایی لازم برای ایجاد یک قانون مدون اجتماعی نیز بهره مند است. او می تواند زندگی جمعی را در پرتو قانون دست ساخته خود هدایت نماید. امروزه این مرحله خود از میان رفته مرحله جدیدی به وجود آمده است که پسامدرنیسم نام می نهند. پسا مدرنیسم چیست؟ کلمه post به معنای تداوم یک جریان می باشد و مدرنیسم چنانچه گفته شد یعنی نو. پس پست مدرنیسم یعنی تداوم جریان مدرنیسم. در زبان فارسی این اصطلاح به فرانوگرایی، پسامدرنیسم و فرامدرنیسم و فرا تجددگرایی ترجمه شده است. فرهنگ علوم اجتماعی این معنا را برای پست مدرنیسم تأیید می کند.



اهداف تربیتی پست مدرنیسم

- – تربیت شهروند انتقادی: تعلیم و تربیت باید به دانش آموزان فرصت لازم را بدهد تا دانش آموزان توان گسترش ظرفیت انتقادی خود را در مواجهه شدن با تغییرات سیاسی و اجتماعی داشته باشند.
- – فراهم کردن شرایطی برای بررسی دموکراسی رادیکال: منظور از دموکراسی رادیکال، دموکراسی است که بتواند میان دیدگاههای مختلف و متفاوت پیوندی عمیق برقرار کند.
- – تأکید و توجه بر گفتمان سازنده دانش: گفتمان سازنده دانش بیشتر گفتمانی است که در جهت ساختن دانش، به قصد اثبات دانش صورت می گیرد.
- – بررسی تفاوتها و نظامهای تفاوت به عنوان یک هدف تربیتی: تعلیم و تربیت باید به دانش آموز کمک کند تا نسبت به تفاوتهای مهمی که قبلاً از کنار آنها ساد و بی توجه می گذشتند حساس شوند.
- – بها دادن به عملی بودن دانش: دانش آموزان تولید کننده و مصرف کننده دانش بحساب می آیند، نه صرفاً داننده آن.
- – توجه به فرهنگ عمومی و مطالعات فرهنگی: از نظر پست مدرن ها مطالعات فرهنگی ابزاری فراهم می آورد که معلمان و سایر دست اندرکاران فرهنگی می توانند به طور انتقادی با قضایا برخورد کنند.
- خود آفرینندگی: ابراز وجود خود از طریق آفرینندگی ممکن است و خود آفرینندگی نیز از طریق نقد فرهنگ و نقد خود.



پست مدرنیسم و تعلیم و تربیت

- پست مدرنیسم به همان اندازه که در نگاه فلسفی اجتماعی خود گسترده و در قسمت هایی مبهم می باشد در تعلیم و تربیت نیز دیدگاه منسجمی ندارد. ولی با این وجود می توان خطوط کلی تربیت را با توجه به آنچه که از دیدگاه متفکران این رویکرد بدست می آید، ترسیم کرد.
- از نکات مورد توجه پست مدرنیسم در عرصه تعلیم و تربیت ارج نهادن آنها به اقلیت های قومی، نژادی و جنسیتی و همچنین حمایت از تربیت چند فرهنگ گرا است.
- پست مدرنیسم با پذیرش برابری همه فرهنگها در صدد است به تکثر فرهنگی از طریق تعلیم و تربیت دامن بزند.
- تعلیم و تربیت آرمانی از نظر پست مدرنیست ها تعلیم و تربیتی است که تاب تحمل شنیدن صداهای دیگر بجز صدای فرهنگ مسلط را داشته باشد.



برنامه درسی پست مدرن

- برنامه درسی پست مدرن بر مباحثی تأکید دارد که موجب افزایش آگاهی فرهنگی، تاریخی، سیاسی، بوم شناختی، زیبایی شناختی و الهیاتی می شود.
- بدین معنی که این نوع برنامه درسی به بافت و شرایط کلی حیات انسان متکی است. محتوای برنامه درسی باید به گونه ای باشد که افراد را در فرآیند «شدن» قرار می دهد. برنامه درسی باید به دنبال نوعی تربیت تحولی باشد که باعث شود معلمان و دانش آموزان در یک سفر اکتشافی و امیدواری به کشف، به بررسی مسائل بپردازند.
- همچنین آگاهی و حساسیت نسبت به مسائل زیست محیطی (بوم شناختی، فیزیکی، اجتماعی، معنوی) بخشهای مسلمی از پیشنهادها پست مدرن در برنامه درسی هستند.
- برنامه درسی پست مدرن به منظور لحاظ دوباره معلم با یادگیرنده و متن با خواننده گفتگویی (دیالوگی)، مذاکره ای و تعاملی است.
- برنامه درسی پست مدرن با کلیت مخالف است یادگیری را منحصراً به انتقال دانش نمی داند، میان رشته ای است، هیچ هدفی را بهتر از اهداف دیگری نمی داند و تنها ملاک برتری را توجه به تفاوت، تنوع، ابهام و دیگری می داند، افشاگر است، اما هیچ راه حل نهایی ارائه نمی کند، زیرا نتیجه چنین تلاشهایی را ایجاد نظامی سرکوبگر می داند.



سیمای مدرسه پست مدرن

- روشن ترین تصویری که می توان از مدرسه پست مدرن ارائه داد، تصور آن چون یک اجتماع است. اجتماع پست مدرن همیشه در زمان حال قرار دارد و نمی توان آن را در گذشته قرار داد یا چون پروژه ای برای آینده در نظر گرفت.
- انگاشت اجتماع چون ساختی شناختی ریشه در فرآیند ارتباط و دموکراسی دارد. چنین مدرسه ای سیال است، خود را زیر سوال می برد، از بی توافقی و تضاد نمی گریزد. تنها بر جنبه های عقلانی تاکید نمی شود.
- تفاوت مدرسه پست مدرن با مدرسه های قدیمی تر این است که در اولی کارهای مشترک و در دومی سنت های مشترک عامل پیوند دهنده اعضا خواهد بود.
- تعامل در مدرسه پست مدرن، بسته و محدود به نظام های فکری و ارزشی که هر کس با خود به مدرسه می آورد نیست بلکه در این نوع مدرسه نامتجانسی و اختلاف عقیده خواه در قالب نظر باشد یا عمل ستودنی است، این امر مانع هماهنگی و مشارکت نمی شود. گفتمان محور شناخت و حتی وسیله ای برای تولید دانش است.
- روابط انسانی در مدرسه پست مدرن مهم است. مریبان پست مدرن به اهمیت روابط انسانی فقط از زاویه های اجتماعی نمی نگرند، بلکه آنها رابطه و گفت و گو را بنیاد شکل گیری دانش و حقیقت می دانند.



موضوع های درسی پست مدرن

- پست مدرن ها موضوعات درسی و مواد نوشتاری را منبعی برای نمایش ایده ها، اطلاعات و نیز جایی برای نقد و ساخت شکنی می دانند. به طور کلی پست مدرنها با جایگاه علم و دانش علمی در جهان کنونی چالش دارد. علوم مختلف همچون الهیات و تاریخ دارای روشهای مختلفی هستند، ولی هیچ کدام نسبت به دیگری برتر یا پست تر نیست.
- در مجموع نگاه پست مدرنیسم نسبت به علم و پیشرفت علمی اصلاح و بهسازی تئوری است. این دیدگاه به علم و پیشرفت علمی الزام های چندی در تعلیم و تربیت دارد.
- اول آن که چنین نگرشی، روشی برای گریز از مطلق گرایی، سلطه گری و خودکامگی فراهم می آورد، چرا که دانش علمی بر این منوال هرگز اعلام نمی کند که نهایی یا حقیقی است.
- دوم اینکه دیدگاه اصلاح علم با تئوری می تواند به طور عملی و مستقیم در کار آموزش و فهم جهان مورد استفاده قرار گیرد و تلاش باید همواره در جهت اصلاح تئوری و تحقیق پاسخ بهتر باشد.
- پست مدرنیست ها ترجیح می دهند در بحث از موضوعات درسی بیشتر از اطلاعات سخن بگویند تا از دانش، چرا که اطلاعات جنبه موقتی دارند و دائم در حال تغییرند.



معلم پست مدرن

- در تعلیم و تربیت مدرن، معلم یکی از اصلی ترین نقشها را بر عهده دارد. او مسؤل یادگیری و سازماندهی محیط یادگیری است، و نیز فراهم کننده شرایطی است که به دانش آموزان کمک می کند تا به سوی هدف های پیش بینی شده حرکت کنند.
- – معلم اندیشمندی رهایی بخش و روشنفکری تحول آفرین به شمار می آید که مشخصه هایش شجاعت اخلاقی و نقادی است. او فراهم آورنده شرایطی است که خود و دانش آموزان، تجربیاتش را بازاندیشی کنند، روابط ظالمانه را بشناسند، بیان کنند و راههایی نیز برای رفع آن ارائه دهند.
- – معلمان پیشکسوتان و راهنمایانی هستند که نقش هماهنگ کننده تجارب یادگیری را بر عهده دارند. نقش آنها بیشتر آموزش «چگونه یاد گرفتن» به دانش آموزان است.
- – معلمان در انگیزه دهی، تسهیل جریان یادگیری، و تسهیل خلاقیت دانش آموزان نقش اساسی دارند.
- – دانش آموز و معلم با هم یاد می گیرند.



معلم پست مدرن

- در تعلیم و تربیت مدرن، معلم یکی از اصلی ترین نقشها را بر عهده دارد. او مسئول یادگیری و سازماندهی محیط یادگیری است، و نیز فراهم کننده شرایطی است که به دانش آموزان کمک می کند تا به سوی هدف های پیش بینی شده حرکت کنند.
- – معلم اندیشمندی رهایی بخش و روشنفکری تحول آفرین به شمار می آید که مشخصه هایش شجاعت اخلاقی و نقادی است. او فراهم آورنده شرایطی است که خود و دانش آموزان، تجربیاتش را بازاندیشی کنند، روابط ظالمانه را بشناسند، بیان کنند و راههایی نیز برای رفع آن ارائه دهند.
- – معلمان پیشکسوتان و راهنمایانی هستند که نقش هماهنگ کننده تجارب یادگیری را بر عهده دارند. نقش آنها بیشتر آموزش «چگونه یاد گرفتن» به دانش آموزان است.
- دانش آموز و معلم با هم یاد می گیرند.
- – معلمان در انگیزه دهی، تسهیل جریان یادگیری، و تسهیل خلاقیت دانش آموزان نقش اساسی دارند.



دانش آموز پست مدرن

- آموزش و پرورش پست مدرنیستی عمدتاً دانش آموز محور است.
- از دیدگاه پست مدرنیسم، یک کلاس درس دانش آموز محور کلاسی است که در آن فرصت هایی برای تعاملات اجتماعی، تحقیقات و مطالعات مستقل، بروز خلاقیت ها و امکان تجربه با سبک های مختلف یادگیری فراهم شود.
- در چنین کلاسی دانش آموز است که دانش را ایجاد و خلق می کند.
- دانش آموز نباید تسلیم کامل و بی تفکر متنی شود بلکه بر اساس ساخت شکنی، تشویق می شود که خواننده ای آگاه و انتقادی از این نکته باشد که اهداف نویسنده همیشه منطبق با واقعیت نیست.
- مطالعه دقیق متن و خواندن آن به طور انتقادی، از طرفی این حسن را دارد که اجازه نمی دهد ساختار تحمیل شده بر یک مقاله بر بررسی محتوای آن تأثیر بگذارد، و از طرف دیگر این نکته را برای دانش آموزان به اثبات می رساند که امکانات معنی، چندگانه است.
- در این دیدگاه دانش آموزان تشویق می شوند که در هنگام خواندن متون و مقالات، تناقض ها و عدم انسجام ها در آنها را دریابند و بی تفاوت از کنار آنها نگذرد.



روش تدریس پست مدرن

- یکی از روشهای تدریس مورد نظر پست مدرن ها که گاه آنرا جایگزین روش علمی می دانند، روش ساخت شکنی است.
- هم معلم و دانش آموز باید شیوه ساخت زدایی را پیشه کنند، و هم مواد و مطالب آموزشی باید ساخت زدایی شوند.
- آنها معتقدند که دانش پژوهان باید تشویق شوند تا راههای جدیدی برای بازنویسی مجدد عناصر و داستانها بیابند تا از این طریق قادر به یافتن روش جدیدی برای قرائت یک متن شوند و آنرا به اجزا و فرعیات تقسیم کنند.
- روش تدریس در پست مدرنیسم را می توان در موارد زیر خلاصه کرد
 1. – تاکید روی جنبه گفتگویی و دموکراتیک بودن روشهای تدریس است.
 2. – یادگیری گروهی و همیارانه است و تعامل بین فردی و بین گروههای کاری مورد تشویق قرار می گیرد.
 3. – یادگیری مستقل در کنار یادگیری تعاملی مورد توجه است.
 4. – جریان های یادگیری جایگزین مواد درسی در برنامه مدرن
 5. – تاکید روی روش ساخت شکنی، شبیه سازی و گفتمان و فراتحلیل است.
 6. – آموزش و پرورش گفتگو محور اساسی کار است.

